



سنت حسنه کتاب‌نویسی استاد

وسواس و دقت علمی دکتر کاظم معتمدنژاد در انتشار کتاب به باور من واجد این حقیقت است که تولید کتاب به خودی خود هدف نیست بلکه ابتدا باید زمینه‌های نیاز ارزیابی شده و آنگاه به تولید کتاب اقدام شود. با اینکه کتاب‌های دکتر معتمدنژاد مبنای تولید بخش مهمی از ادبیات روزنامه‌نگاری در دوره‌های بعد شد،اما شیوه‌ای که استاد برای تالیف کتاب‌های خود برگزیده‌اند بسیار متفاوت با آنایی است که هنوز حتی برادری خود را ثابت نکرده فوراً اقدام به انتشار کتابی به نام خود می‌کنند. واقعیت اینجاست که وقتی ادبیاتی می‌خواهد تولید شود باید یک الگویی داشته باشد. به عنوان مثال کتاب وسایل ارتباط جمعی تا سال‌های سال تنها منبع مربوط به حوزه خود بود؛ بسیاری از مباحث ایشان ابتدا طی سال‌ها در کلاس‌های درس مطرح شده و مورد بحث و ارزیابی قرار گرفته بود و تازه در این هنگام بود که آن بحث‌ها در قالب کتاب منتشر می‌شد که به نظر من این یک سنت حسنه در حوزه آکادمیک بوده و هست. در واقع معیار ارزشگذاری‌ها و بحث‌هایی که انتشار کتاب را به عنوان یک تجارت می‌بینند، با این شیوه به کلی متفاوت است؛ بنگاهی که متأسفانه این روزها در حوزه کتاب بسیار مشاهده می‌شود و کتاب‌ها فاقد هر نوع نگاه علمی و وسواس هستند. ترجمه‌های مغشوش، کپی‌کاری از روی تالیفات دیگران و تولیدات فکری دیگران را به اسم خود منتشر کردن از جمله مباحثی است که متأسفانه این روزها در حوزه کتاب بسیار مشاهده می‌شود در حالی که سنت استاد در کتاب‌نویسی خود یک الگو است و درست به همین دلیل است که اصیل بوده و تا سال‌ها مورد نقد و بررسی قرار گرفته است و این خود یعنی منشاء اثر بودن.از همان ابتدای آشنایی من با استاد که به مهرماه سال ۵۰ برمی‌گردد وقار و منات و نجابت دکتر حتی در حرکت در راهروها نیز شاخص بود. دکتر معتمدنژاد همواره استادی جدی و دقیق بودند و مهربانی استاد با دانشجویان مانع از این نمی‌شد که شخصیت علمی و آکادمیک استاد و جدیت روی مباحث درسی خدشه‌دار شود. سال‌های همکاری من با دکتر معتمدنژاد سال‌های خاطره‌انگیزی است و من همواره از آن سال‌ها به نیکی یاد می‌کنم. موضوع مهم دیگر هم حمایت و دلسوزی ایشان برای رشته و گروه ارتباطات است که به واقع مثال‌زدنی بود و بعدها که من از طریق روزنامه کیهان روابط نزدیک‌تری با ایشان پیدا کردم این موضوع را بیشتر لمس کردم.از سوی دیگر تحصیل همزمان دکتر معتمدنژاد در دو رشته حقوق و ارتباطات نگاه استاد را به فراتر از مقتضیات تکنیکی روزنامه‌نگاری برد. درست است که تکنیک و ساختار در روزنامه‌نگاری یک بحث اساسی است اما موضوع این است که تا زمانی که ساختارهای حقوقی و صنفی و اجتماعی و فرهنگی شکل نگیرد نمی‌توان انتظار رشد مطلوب را در حوزه ارتباطات داشت. از همین رو تقریباً می‌توان گفت استاد از اواسط دهه ۶۰ به بعد بیشترین تلاش خود را مصروف تولید ادبیات در حوزه حقوق حرفه‌ای ارتباطات، نظام جامع حقوقی ارتباطات و تشکل‌های صنفی و حرفه‌ای ارتباطات کردندد و اینها یعنی مباحثی که به طور زیربنایی می‌تواند این حرفه را نجات دهد که این تلاش، مروه دانش تلقیفی ایشان بوده است. در واقع به نظر می‌رسد نگرش میان‌رشته‌ای داشتن ایشان نقش مهمی در تولید ادبیات ارتباطات و روزنامه‌نگاری از سوی ایشان داشته است. موضوع مهم دیگر بحث مطالباتی است که با توجه به مباحث ارتباط ایشان در روزنامه‌نگاری ما هویت پیدا کرده است. من فکر می‌کنم این نقش استاد بیشتر ارشادی بوده است تا عملیاتی؛ در واقع در مباحثی چون آشنا ساختن روزنامه‌نگاران با حقوق صنفی و روزنامه‌نگاری خود و آشنا ساختن مسوولان با حقوق روزنامه‌نگاران. در این زمینه ایشان در تلاش بوده است تا جهت‌ها به سمت رعایت این حقوق و ساختارهای لازم حرکت کند. در واقع می‌توان گفت این نقش بیشتر آگاهی‌بخش و ارشادی بوده است یعنی تلاش دکتر این بوده است که ادبیاتی تولید کند که ایجاد شناخت و آگاهی کند، چه در میان روزنامه‌نگاران و چه در میان مسوولان.بر این باورم که هر چه زمان بگذرد قدر استاد بیشتر دانسته می‌شود زیرا اطرافیان تنها از محتوای درسی ایشان الگو نگرفته‌اند بلکه این حس مشارکت‌جویانه ایشان بود که استاد سعی در بازآورد خالص و عام بوده است تا حدی که هر جا به حضور ایشان نیاز بود ایشان نه نگفته و در آن محفل حضور به هم رسانده است. من فکر می‌کنم همان نام پدر ارتباطات زبینه فردی است که الگوی تمام‌عیار از یک معلم و یک شخصیت کامل از نظر اخلاق و رفتار و سلامت نفس و جدیت در کار است. در واقع شخصیت ایشان است که همواره مورد توجه بوده است به نحوی که سال‌های سال حضور و رفتار و گفتار ایشان در هر محفلی کوهی از آموزش و تجربه را به همراه داشته است.

■**عضو هیات علمی و رئیس سابق دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی**

نگاه



صاحبان قدرت نرم

وقتی ۴۰ سال به دنبال راهنمایی هستی تا به تو، همواره، کلامی تازه از ارتباط بگوید، معنائش می‌تواند این باشد که سخن او نافذ است و صاحب سخن دارای قدرت نرم؛ قدرت نرمی که پیوسته نیروی خود را بازاری‌فرینی و حیات موثر خویش را تجدید کرده است. کسی که توانسته است تو را به مکتبی دعوت کند که حال و هوای ثروت و قدرت بر مرسوم و سخت را ندارد. دکتر کاظم معتمدنژاد، پدر علوم ارتباطات در ایران، در تمامی‌تیم‌قرن گذشته با مهربانی، دلسوزی و استواری مادرانه، از طفل علوم ارتباطات در ایران با تمام وجود، پرستاری و مراقبت مادی و معنوی کرده است؛ در حالی که امروز به فراسوی فراگیری، عشق و ابدایی شگفت‌انگیز یافته است. من به عنوان یک همیشه دانشجوی ارتباطات، از این همه وحدت رویه، نظر و اسجام شخصیتی این همیشه استاد ارتباطات، همواره در شگفت بودم؛د و هنوز به درستی نمی‌دانم این سازندگان اندیشه چگونه اندک‌اندک بنای عظیم علم را می‌سازند و صبورانه و پیوسته سکن روی سنگ می‌گذارند. من امروز به کسانی می‌اندیشم که تا فراسوی مرزهای شناخته‌شده‌اراده اسلای حرکت می‌کنند؛ به کسانی که در عین حال، شرط ضروری با آنها احترام به دوستی تمامی دیگران است، و این حرکت، رفتن به فراسوی خود و فراتر رفتن از خویش است و مصداق دین و دینداری و آیین عشق، چراکه عشق دوست داشتن است و خوبی خواستن برای دیگری. و استاد، به تمامی دیگران را دوست می‌دارد و شرط ارادت به عطفوت، از نین به خوبی را در این رابطه نرم آگاه است.

شرط ارتباط: دوست داشتن دیگران

در آستانهٔ بازنشتنگی، در اوایل دهه ۶۰ زندگی، یعنی هنگامه‌ای که هر آدمی را ممکن است به انفغال بکشاند، کوشیدم رابطه ۳۰ساله‌ام با استاد را حفظ کنم و ادامه دهم. با او احساس امنیت عمیقی داشتم؛ امنیتی که از صمیم قلب دوستش داشتم.ام. در این میان با تشویق استاد، مصائب کنکور در این مقطع تحصیلی و دیوبن سالاری‌های موجود را پشت سر گذاشتم و سال‌ها بازارآموزی و نوآموزی را از سر گرفتم. فرآیند تاثیر گذاری استاد، آرام و تدریجی بوده و آثار آن هر روز آشکارتر شده است. او صاحب نیرویی بوده که همواره و همه جا در اندیشه و عمل وی حضور داشته است و از طریق نوشته‌ها و رفتارهای عملی استاد، با مصداق‌های قدرت نرم بیشتر می‌توان آشنا شد. قدرت نرم، قدرت مجسم و ملموس و قابل رویت نیست؛ تاثیر محض است؛ نشانگان آشکاری ندارد. نشانه‌هایی اگر هست، توافقی‌اند و قراردادی و قرار. می‌خواسته‌ام با او در ارتباط باشم و این خواست به معنای پذیرش تاثیر او بر من بوده؛ و شرط ارتباط با او رفتاری عمیقاً صمیمانه و همراه با کار سخت برای شناخت و حفظ دوستی و ارتباط؛ و نشانه‌های این آزمون با حرکت در راهی مشخص می‌شد که به شناخت ارتباط موثر و مورد نیاز انسان‌ها، دوست داشتن بینجامد. این شرط را از حدود ۴۰ سال قبل در نخستین کلاس‌های درس ارتباط استاد آموختم و این اواخر هر قدر حرکت‌هایم کندتر می‌شوند، بیشتر دریامی. استاد نیز چون نشانه‌های دوستی‌ام را دید روی گشود و کاری کرد که احساس دوستی‌ام را نسبت به او معنای عمیق‌تری بخشید؛ استاد در پاسخ دست دوستی‌ام را فشرد و نمونه‌ای از کلید اتاق کوچک خود را در دانشکده به من داد.

فراخوان

دکتر کاظم معتمدنژاد دوستی است در میان ما که او را کمتر شناخته‌ایم. حال اگر از استاد یادبود و خاطره‌ای دارید با ما تماس بگیرید. آیین برقراری ارتباط راه‌آالی و علاقه‌مندان فرهنگ و علم و علوم اجتماعی و ارتباطات به خوبی می‌دانند؛ از دوست بگویید؛ از استاد. درباره ارتباطات و دوستی با وی خاطره، تصویر، مقاله یا سخن موثر اوست که راهنما را به نحوی هموار ساخته، محکم کرده، و تایید و تشویقی از مثبت‌اندیشی او، از بومی‌سازی در عمل، از توسعه و لزوم با هم بودن‌ها و از ارتباطات است. او اغلب برای اثری که از همکاران، دوستان و دانشجویان او به چاپ می‌رسد، این عبارت تحسین‌آمیز را می‌گوید: «جای این اثر شما خوب.» او خود پیوسته کوشیده است جای آثار مورد نیاز در حوزه علوم ارتباط خالی نباشد.

۱۲۶ ماندگاران

مروری بر زندگی و آثار پدر علم ارتباطات ایران؛ دکتر کاظم معتمدنژاد

کارنامه کامیاب



■**آبراهیم عبیداشهزاده**

«من یک معلم عادی بودم که توفیق داشتمم دانشجویان خوبی در کلاس من آموند و این دانشجویان خوب باعث شدند من هم شهرت پیدا کنم. در واقع زیر چتر دانش روزنامه‌نویسان، استاد شما هم به شهرت رسید. این شهرت هم متعلق به خود آنهاست. اینها به معلم خودشان نام گذاشتند و گرنه من یک معلم معمولی همیشگی هستم.»بخشی از سخنرانی دکتر کاظم معتمدنژاد در مراسم ملی تجلیل از ایشان در دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۳۸۷/۱۲/۱۷ سخن از استادی است که «همه قبیله او از عالمان دین بودند»؛ او که بیش از چهار دهه است در آموزش و پژوهش علوم ارتباطات و روزنامه‌نگاری در ایران و نهادهاسازی و ظرفیت‌سازی برای این داش‌ها در ایران، نقشی یگانه داشته است. این «همیشه‌استاد»، دکتر کاظم معتمدنژاد است که تمام دانشجویانش را در «همکاران» می‌نامد و با شاگردان برجسته‌ای که تربیت کرده‌مقالات و کتاب‌هایی که نوشته، نهادهایی که بنیانگذاری کرده و روش و منش اخلاقی و الایی که پیشه خود ساخته، حضوری ماندگار، اثربخش و جریان‌ساز در تاریخ معاصر ایران داشته است.

دکتر یونس شکرخواه- یکی از شاگردان استاد که خود امروز از استادان روزنامه‌نگاری است- درباره ویژگی‌های اخلاقی وی می‌گوید:«دکتر معتمدنژاد مثل درخت‌های کویری، پرریشه‌اند؛ پی انتظار و بی‌اعتنا به باران. با این ماموریت که غیار، چشم‌های رهگذران را اذیت نکند، متکی به خود و ماندگارند. دکتر معتمدنژاد، وقف علم هستند و دغدغه دیگری جز این در زندگی ندارند. برای بعضی‌ها ممکن است ثروت، شهرت و مقام، مطلوب باشد، اما به نظر می‌آید اینها برای ایشان، بارهای اضافه‌هستند.همیشه‌مراقبت‌ده که از جاده‌معلمی باپیرون نگذارند.»این استاد فرهیخته و فاضل، هم‌اکنون با ۷۶ سال سمر پربار تعیین‌کننده، با کوله‌باری از دانش، امید و فرهنگ، استاد دانشکده علوم اجتماعی و ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی است.

ایشان از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۸ استاد مهمان دانشگاه‌های فرانسه (پاریس و رن) و از سال ۱۳۶۲ تاکنون نیز مدیر تحقیقات VII (استاد راهنمای رساله‌های دکتر)، دانشگاه پاریس هستند.

■**کوکبی و نوجوانی در بیرجند و تهران**

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۱ اردیبهشت‌ماه ۱۳۱۲ در خانواده‌ای فرهنگی- روحانی در روستای «مود» در بیرجند به دنیا آمد. پدرش فرهنگی و مدیر دبیرستان بود و سایر اعضای خانواده او نیز در مشاغل فرهنگی بوده‌اند. دکتر اسدالله زمانی استاد دانشگاه بیرجند در این باره می‌گوید: «در خانواده دکتر، پنج نفر متعهد مسلم و دو شاعر وجود داشته‌اند.»

دکتر معتمدنژاد درباره محل تولد خود می‌گوید:«روستای ما «مود» در کنار جاده زاهدان به مشهد قرار داشت و می‌دانید که این جاده، یک جاده استراتژیک بود و در جنگ جهانی اول مورد استفاده انگلیسی‌ها قرار گرفت. باشگاه ژاندارمری، هم نزدیک آنجا بود. آنجا، نزدیک به سه هزار نفر مأموریت داشت و باید شهرستان می‌شد، ولی به خاطر جمعیت اهالی آن به شهرهای اطراف، جمعیتش کم شد.البته تمام کسانی که مهاجرت کردند،فرزندان‌شان دارای تحصیلات خوبی شدند. افراد آن روستا، شاید حدود ۲۰۰ نفر هستند که اکثرآ پزشک، یا آده‌های برجسته‌ای شده‌اند.»وی دوره ابتدایی و قسمتی از دبیرستان را در محل تولد خود گذراند. دکتر معتمدنژاد می‌گوید: «بیرستان ما تا کلاس نهم بیشتر نداشت و به همین خاطر، من برای ادامه تحصیل به بیرجند رفتم و تا سال پنجم متوسطه را آنجا خواندم و چون بیرجند کلاس ششم متوسطه نداشت، برای ادامه تحصیل به مدرسه مروی تهران رفتم؛ و همان سال در رشته ادبی، در تهران شاگرد دوم شدم.»به این ترتیب وی موفق به دریافت دیپلم ششم متوسطه درخرادماه ۱۳۳۲ از دبیرستان مروی تهران می‌شود.

■**تحصیلات دانشگاهی در تهران و پاریس**

معتمدنژاد هم‌اینک در آستانه ورود به دانشکده است؛ در شرایط پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲. وی در این باره می‌گوید:«بعد از کودتای سال ۱۳۳۳، کنکور دادم. آنجا با او خواسته بودند که کتاب‌هایی را که خوانده‌ام، اسم ببریم. من هم اسم کتاب‌هایی را که خوانده بودم، نوشتم. این اسامی برای آنها خوشایند نبود، چون در آن کتاب‌ها از استقلال، آزادی و ملی شدن نفت دفاع شده بود و آنها اصلاً ورقه مرا تصحیح نکردند و وقتی نتیجه را اعلام کردند، اسم من جزء قبولی‌ها نبود. بعد از آن، من به دانشکده ادبیات و رشته زبان فرانسه رفتم و یک سال زبان فرانسه خواندم و سال بعد، دوباره کنکور دادم و قبول شدم و به دانشکده حقوق دانشگاه تهران رفتم و بعد با یکی از دانشجویان هر‌رشته‌ام ازدواج کردم.»در این هنگام است که وی وقایع ۱۶ آذر ۱۳۳۲ را از نزدیک می‌بیند: «روز ۱۶ آذر، من در رشته حقوق درس می‌خواندم. ما در دانشکده ادبیات- دانشسرای عالی سابق در میدان بهارستان- بودیم و علیه نیکسون اعلامیه‌پخش می‌کردیم. اگر اشتباه نکنم آن وقت رئیس دانشسرای عالی ادبیات دکتر بینا بود. به هر حال، سربازان به داخل دلبشارساختند و ما را تعقیب می‌کردند و من پنجره‌ها را کردم و به این ترتیب نتوانستند مرا دستگیر کنند. بعد راهی دانشگاه تهران شدم و شنیدیم که در دانشگاه آن واقعه دردناک اتفاق افتاده.ما شب هفت آن سه شهید را در دانشکده ادبیات برگزار کردیم و مخفیانه سر مزار آن شهیدان رفتم؛ و من همان جاشعری را که

سال پنجم ■ شماره ۱۰۲۵ ■ یکشنبه ۱۰ مرداد ۱۳۸۹

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷



و از همکاران دکتر معتمدنژاد در آن سال‌ها می‌گوید: «واقعاً اگر حوصله، سه‌صد و استقامت دکتر معتمدنژاد نبود، رشته ارتباطات در ایران پا نمی‌گرفت. بعد از انقلاب، وقتی من به ایران آمدم، ارتباط و آشنایی زیادی با افراد نداشتم. آن زمان بعضی‌ها نظرشان این بود که رشته علوم ارتباطات اجتماعی اصلاً رشته دانشگاهی نیست؛ا به هر حال می‌خواستند این رشته را تعطیل کنند و گفتند: تنها راهی که هست این است که قبول کنید این رشته به صورت گرایش ارتباطات اجتماعی در داخل علوم اجتماعی باشد، تا بعد ببینیم چه می‌شود. اگر من تنها بودم، چون حوصله این کارها را نداشتم، خداحافظی می‌کردم و می‌رفتم، اما دکتر معتمدنژاد با سعه صدر گفتند حالا بگذارید این پله را جلو ببریم و بعد از ما خواستند برنامه‌هایمان را همان طور که بود، تدوین کنیم.»در ادامه دوره‌های کارشناسی ارشد و دکتری رشته علوم ارتباطات نیز در دانشگاه علامه طباطبائی با پیامردی و تلاش وی شکل می‌گیرد و هم‌اکنون جامعه علمی و دانشگاهی ایران، مدیون خدمات بی‌ماند این دانشمند بی‌اداست‌نقش موثر وی در تأسیس این رشته در دیگر دانشگاه‌های ایران است از یادبردنی نیست. دکتر حسام‌الدین آشنا عضو هیات علمی دانشگاه امام صادق می‌گوید: «رشته ارتباطات در ایران مانند هر رشته دانشگاهی دیگر عرصه رقابت‌ها و همکاری‌هاست. هر چه همکاری است بر محور حضور و نفوذ دکتر کاظم معتمدنژاد شکل گرفته است. پیوند میان فراغ‌تحصیلان و حلقه‌های علمی ارتباطات یک شک برافراشته و دیندشه و رفتار اجماع‌افری و بومی‌ساز استاد دارد. دانشگاه امام صادق و دانشکده صدا و سیما در راندهای دوره‌های دکترا و کارشناسی ارشد مستقیماً و دانشگاه‌های دیگر از طریق ارائه رشته مصوب از راهنمایی و تدریس استاد و دانش آموختگان ایشان بهره گرفته‌اند.»

بی‌مناسبت نیست که از این فرصت استفاده شود و ذکر یی نیز به اجمال از خانواده دانشور و علمی ایشان به میان آید. استاد معتمدنژاد خود از تبار عاملان است و در خاندان و خانواده‌ای اهل معنا و فرهنگ پرورش یافته است. همسر گرمی‌استاد از فراغ‌تحصیلان رشته حقوق اما متأسفانه هنوز از فرزندان این خانواده علمی، خانم دکتر رویا و آقای دکتر رامین معتمدنژاد نیز به همین ترتیب، دارای نسب فرهنگی از خانواده و پدر و مادری دانشورند. خانم دکتر رویا معتمدنژاد چند سالی است که ضمن تدریس در دانشگاه علامه طباطبائی، مقالات پژوهشی چندی نیز به جامعه علمی کشورمان ارائه کرده و از این نظر برای اهالی فرهنگ ناشناخته نیست، اما متأسفانه هنوز از فرزندان این خانواده علمی، تدریس می‌کند. در دو جلد به زبان فرانسه تدوین و ارائه شده‌است، «قش و ترکیب شورای قانون اساسی فرانسه» در سال ۱۳۶۳ دفاع کرد.

دکتر رویا معتمدنژاد دوره دکتری حقوق اساسی را نیز در همان دانشگاه گذراند. رساله دکتری‌ای وی با عنوان «نظام حقوقی تلویزیون: نمونه کشور فرانسه» در سال ۱۳۷۱، دو جلد به زبان فرانسه تدوین و ارائه شده‌است. دکتر رویا معتمدنژاد به درخواست پدر در رشته حقوق، «حقوق ارتباطات» خوانده و پس از پایان تحصیلات در فرانسه، به استخدام دانشگاه علامه طباطبائی درآمد و هم‌اکنون با سمت اسنادپاری، حقوق اساسی، حقوق ارتباطات و آزادی عمومی را در دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی «دانشگاه علامه طباطبائی» تدریس می‌کند. دکتر رامین معتمدنژاد، متولد ۱۳۴۰ در پاریس است. او به ترتیب دوره‌های لیسانس، فوق لیسانس و دکترا را در رشته اقتصاد بین‌الملل در پاریس گذرانده است و هم اکنون، ضمن تحقیق، دانشیار دانشگاه پاریس ۳ در فرانسه است.

■**خدمات حقوقی**

دکتر معتمدنژاد از سال ۱۳۴۶ تاکنون وکیل پایه یک دادگستری است و از سال ۱۳۷۹ به بعد نیز مشاور حقوقی اتحادیه بین‌المللی ارتباطات دور است.

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷

دکتر کاظم معتمدنژاد در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷